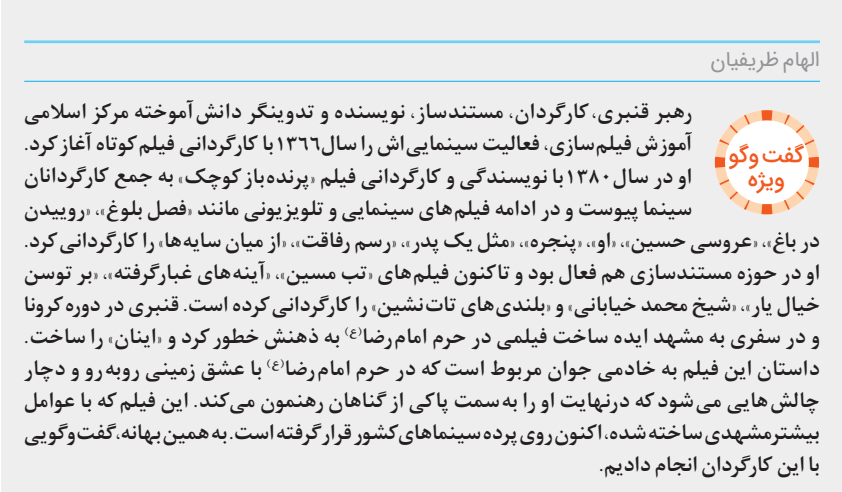


رهبر قنبری، نویسنده و کارگردان فیلم «اینان»، از تجربه ساخت فیلم با مفاهیم امام رضایی می‌گوید

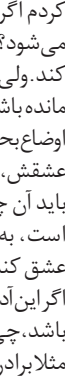
مشهد می‌تواند خط اول سینمای معناگرا و شاعرانه باشد



● فیلم «اینان» اکنون روی پرده سینماست. ایده فیلم چگونه شکل گرفت؟

ماجرای این فیلم مقدمه‌ای داشت و آن ساخت یک مستند بود. من در یک جشنواره در مشهد داور بودم. یک روز دسته جمعی ما را به زیارت بردند. وارد حرم که شدم، دیدم یک عده جوان مشغول پهن کردن تعداد زیادی فرش در صحن‌ها هستند. پشت‌سر آن‌ها هم یک دسته جوان دیگر دارند فرش‌ها را جمع می‌کنند. برایم سؤال پیش آمد که این چه کاری است این‌ها دارند می‌کنند. آمد و حتی پیشنهاد دادم فرش‌هایی با ابعاد کوچک تهیه کنید تا نمازگزاران خودشان فرش‌ها را پهن کنند. به جای آن، این جوان‌ها را ببرید در کارخانجات وابسته به آستان قدس رضوی تا مهارتی یاد بگیرند. تصمیم گرفتم راجع به همین موضوع یک مستند بسازم. فیلم نامه‌اش را نوشتم، اما هرچایی بردم، ردش کردند. ۹ سال پی‌اش بودم. بالاخره شبکه یک قبول کرد و مستند فرش‌هایی برای عرش «را ساختم که از تلوزیون پخش شد و حتی خود اهالی آستان قدس هم به من جایزه دادند. در حین ساخت این فیلم من برای اینکه مزاحم خادمان نشوم، از جوانی که نذر داشت خادم حرم باشد، برای بازی در فیلم به عنوان خادم حرم دعوت کردم. یک روز بعد از فیلم‌برداری همان‌طور که روی یکی از فرش‌ها نشسته بودم و داشتم استراحت می‌کردم، این جوان آمد کمک نداشت. دیدم یک ساعت بسیار گران بها با نگین‌های الماس دستش گرفته است و می‌گوید روی یکی از فرش‌ها پیدایش کرده است. گفتم: صاحبش را دیدی؟ گفت: بله، یک خانمی بود که آن طرف رفت. گفتم: چرا نبردی به او بدهی؟ گفت: بعد از اینکه رفت، برق ساعتش چشم‌را گرفت و پیدایش کردم. به‌شوخی به او گفتم: به آن خانم چرا نگاه می‌کردی؟ گفت: آره، راستش خیلی خوشگل بود. گفتم چه جالب می‌شود اگر یک پسر خادم مجرد وقتی خانم‌ها می‌آیند نماز بخوانند، دختری را ببیند و شیفته او شود. بعد با خودم فکر

کردم اگر آن دختر ثروتمند باشد، چه می‌شود؟ حتما نمی‌تواند با او ازدواج کند. ولی اگر یک چیز گران بها از او جا مانده باشد و این پسر برداشته باشد، برگزار شد. به گزارش شهرار، به نقل از روابط عمومی «پاتوق مستند»، در دومین برنامه «پاتوق مستند» که اجرای آن برعهده امیرا شریفی مقدم بود، احمد بخارایی جامعه‌شناس و استاد دانشگاه، مریم کثیری فعال فرهنگی و رسانه، محسن اسلام‌زاده تهیه‌کننده و کارگردان اثر، سپیده علیرضا امید، جسارت و شاعرت را به تصویر کشیده است و ره‌گه‌هایی از زندگی با حضور عزیزانی که در همه صحنه‌های اثر حضور دارند، از کوچک تا بزرگ، همچنان حفظ می‌شود.



در دومین «پاتوق مستند» بیان شد

«هیچ کس منتظرت نیست» اثری دینی است

دوست دارم بگویم برخلاف اسم مستند کسی‌هم می‌تواند برای همه‌مصرف‌کنندگان

بماند. ● «هیچ کس منتظرت نیست» اثری دینی است

سپس محسن اسلام‌زاده، سازنده مستند «هیچ کس منتظرت نیست»، درباره سپیده علیزاده بیان کرد: او دیالوگ معروفی در مستند دارد که می‌گوید: «من نمی‌توانم انتخاب کنم که تا کجا فروبروم». علیزاده غرق ماجراست و به این دلیل است که به همه دغدغه‌مندان، مسئولان و... توصیه می‌کنم با او به پاتوق‌ها سر بزنند. شناخت او از زنان آسیب‌دیده و نزدیک شدن دروین‌ها به فعالیت‌هایش باعث شده به نقطه‌ای برسیم که به شخصیت‌پردازی آدم‌های اطراف وی هم بپردازیم. اما برای اینکه مستند حرکت روبه جلو و درام خوب داشته باشد، باید قصه «مونا» را هم پیگیری می‌کردیم که این اتفاق رخ داد. وی با بیان اینکه «هیچ کس منتظرت نیست» اثری دینی است، گفت: درآموزه‌های دینی ما به‌صراحت آمده است که هر کس فقط یک نفر را نجات بدهد، انگار کل بشریت

نجات دهد، چه می‌شود؟ یک آشفتنگی جانانه در وجود جوان پیشی می‌آید. آن هم این است که آیا امانت‌دار باشم، آیا عاشق باشم؟ آیا عاشق زمینی باشم یا عاشق خدا و

امام رضا^(ع) که معنویت است؟ من داستان را بر این اساس نوشتم و خیلی زود هم به نتیجه رسید و فیلم‌را ساختم.

● پس موضوع آن مربوط به عشق زمینی است؟

به عشق و اجتماع. مؤمنانی که هیچ کد امشان بی‌گناه نیستند. در آن مهمان سرائی که در فیلم هست، بیشتر آدم‌ها گناهکارانی هستند که آمده‌اند بروند زیارت. آن‌ها باید بروند گناهانشان را پاک کنند و بعد به درگاه معشوق برسند. وقتی گناهانشان را پاک می‌کنند، می‌بینند دیگر نیازی به زیارت ندارند. درواقع قیله‌گاه، وجود پاک خود آدمی است و ضرورتی ندارد که ما به بیرون مراجعه کنیم.

● درواقع نگاه شما در این کار، نوعی نگاه انتقادی است؟ بله، من به موضوع ری‌کاری از انتقاد دارم، همه دارند. این ری‌کاری‌ها همیشه من را آزار می‌داد.

● فکر می‌کنید داستان‌هایی که در این فضا شکل می‌گیرند، چقدر جای کار دارند؟ چون در سینما خیلی کم به آن‌ها پرداخته شده است.

ایده فراوان است، اما به مفاهیم نباید سرسری نگاه کرد. ایده‌های ایمانی، غالباً مفهومی هستند. اما سینما به‌طور کلی در مقابل مفاهیم و فرم است. به‌سادگی نمی‌توانید هر ایده مفهومی را به‌فرم تبدیل کنید. درآوردن هنر تجسمی، از مفاهیم خیلی سخت است. حتی برخی ایده‌ها را نباید به فیلم تبدیل کرد. ایمان یک ایده مفهومی است. مثلاً ایده‌های قرآنی مفهومی هستند.

وقتی می‌خواهیم این‌ها را به‌فرم تبدیل کنیم، قطعاً باید خیلی احتیاط کنیم، چون اگر احتیاط نکنیم، شکلی ری‌کارانه به خودش می‌گیرد. مثلاً برای نشان دادن آدم پاک آن شخص را با محاسن یا با عبا و عمامه نشان می‌دهیم، رنگ‌سبز در کار استفاده می‌کنیم، افکت‌ها صوتی خاصی می‌گذاریم. این طوری هم آن مفهوم را ناپود کرده ایم هم به‌فرم قابل‌ی ترسیده ایم. من در سینما به حاشیه‌های ایمان بیشتر علاقه‌مند هستم تا به خود دین و ایمان. از ورود به مفاهیم دینی خیلی می‌ترسم، چون دین یک مفهوم و معناس‌ت و تبدیل معنا به یک صورت عینی فوق‌العاده خطرناک است. چون به

معنا نمی‌توانیم شکل عینی بدهیم. ● یعنی خیلی می‌تواند به شعارزدگی نزدیک شود؟ همیشه این طوری شده است. دست کم در کشور ما این طور مضامین همیشه مرجع خوبی برای ری‌کاری و شعار دادن بوده است. ● ولی شما خودتان در این حوزه وارد شده و کار کرده‌اید.

من وارد حاشیه‌شدم. من در حاشیه اجتماع با رویکردهای گوناگون دینی وارد شده‌ام. ● یعنی خیلی می‌تواند به شعارزدگی نزدیک شود؟ همیشه این طوری شده است. دست کم در کشور ما این طور مضامین همیشه مرجع خوبی برای ری‌کاری و شعار دادن بوده است. ● ولی شما خودتان در این حوزه وارد شده و کار کرده‌اید.

من وارد حاشیه‌شدم. من در حاشیه اجتماع با رویکردهای گوناگون دینی وارد شده‌ام.

● سینماگران زیادی هم هستند که می‌توانیم به آن‌ها معناگرا بگوییم و در این باره کار کرده‌اند. بنابراین، نمی‌توانیم بگوییم چون ممکن است به شعارزدگی برسیم، اصلاً کار نکنیم. سؤال این است که چطور می‌توانیم هم از این ظرفیت استفاده کنیم و هم به شعار برسیم؟

به‌نظم قصد و غرض انسان هادر مفاهیم دینی یک‌صورت اضافی هم دارد. من به این دلیل می‌توانم متدین باشم که با آن تدینم دعای می‌کنم برادرم بهبود پیدا کند. تعلق من به آن معنایی که با آن دعا کردم، بیشتر می‌شود. از آن‌ها مشهد است، دومی اصفهان است، سومی یزد و چهارمی تبریز است. در تهران همه امکانات هست، ولی به‌نظم فیلم‌سازان مشهد می‌توانند آثاری دل‌گشا‌تر بسازند. همین‌طور اصفهانی‌ها... چون بسیار لحاظ فرهنگی پیش‌روتر از فیلم‌سازان تهرانی هستند. من ۲۳ سال مدرس سینما بودم و به‌همه شهرها رفته‌ام. خوب می‌دانم چه می‌گویم و به حرفی که می‌زنم، یقین دارم.

● مشهد با ظرفیتی که می‌گویید دارد، به‌نظرتان چقدر می‌تواند خاستگاه سینمای رضوی و هنر رضوی باشد؟

خاص نکند، عمده اش نکند. بگویید سینمای اجتماعی، سینمای عارفانه، سینمای شاعرانه. به‌نظم برای همه این‌ها صد درصد مشهد این ظرفیت را دارد. هنری که به حضرت امام رضا^(ع) نگاه می‌کند، ویژگی خاصی دارد، ولی به‌طور کلی همان سینمای معناگرا است. مشهد برای سینمای معناگرا و شاعرانه می‌تواند در خط اول باشد.

● و شما سعی کردید در حاشیه‌راه بروید؟ همین‌طور است. رفتن به متن قطعاً من را ری‌کار می‌کند و من خیلی از

این می‌ترسم. ● معمولاً سینماگران غیر-مشهدی کمتر در مضامین مربوط به امام رضا^(ع) یا هنر رضوی کار کرده‌اند. کارهایی که انجام شده را بیشتر هنرمندان مشهدی ای انجام داده‌اند که با هنوز در مشهد هستند یا مشهدی بوده‌اند و به تهران مهاجرت کرده‌اند. به نظر شما که به عنوان یک غیرمشهدی در این حوزه کار کردید، مشکل مربوط به شناخت کم این هنرمندان از مفاهیم رضوی است یا مربوط به همان ترسی می‌شود که گفتید؟

من خودم در کوه‌های اردبیل به دنیا آمدم، ولی از پنج‌سالگی در تهران بزرگ شدم. بیشترین زمانی که مشهد را دیدم، در دوره همین سفرم بود. ممکن است به خاطر شناخت کم باشم. من خیلی در حین این کار آرام بودم. حالا این‌یا به اعتبار حضرت رضا^(ع) بود یا به اعتبار روان خودم. ولی به‌هر حال خیلی کیفی‌کم کردم از اینکه در مشهد دارم کار می‌کنم.

مشکلاتی در تهیه وسایل و اکسسوار داشتم. ولی ربطی به مسائل معنوی فیلم نداشت. در انجام کار معنوی خودم بسیار پرقدرت بودم. از اینکه وسایل نبود و تولید لنگ می‌زد، ادیت می‌شدم و به‌نظم تهیه‌کننده باید



بهرتر عمل می‌کرد، ولی ناراضی نیستم. تجربه کار با مشهدی‌ها برایم عالی بود. خیلی از اینکه در کارم بودند، لذت بردم. قشنگ‌ترین بخش این بود که همه گروه بسیار با اخلاق بودند.

● قبل از سینمای مشهد آشنا بودید؟

فیلم‌بردار، صدابردار، طراح صحنه، تولید و بازیگران، بیشتر عوامل فیلم من مشهدی بودند که همه خیلی خوب کار کردند. از نظر من چند شهر جا دارند که به اندازه وزارت فرهنگ و ارشاد در تهران کار کنند. یکی از آن‌ها مشهد است، دومی اصفهان است، سومی یزد و چهارمی تبریز است. در تهران همه امکانات هست، ولی به‌نظم فیلم‌سازان مشهد می‌توانند آثاری دل‌گشا‌تر بسازند. همین‌طور اصفهانی‌ها... چون بسیار لحاظ فرهنگی پیش‌روتر از فیلم‌سازان تهرانی هستند. من ۲۳ سال مدرس سینما بودم و به‌همه شهرها رفته‌ام. خوب می‌دانم چه می‌گویم و به حرفی که می‌زنم، یقین دارم.

● مشهد با ظرفیتی که می‌گویید دارد، به‌نظرتان چقدر می‌تواند خاستگاه سینمای رضوی و هنر رضوی باشد؟

خاص نکند، عمده اش نکند. بگویید سینمای اجتماعی، سینمای عارفانه، سینمای شاعرانه. به‌نظم برای همه این‌ها صد درصد مشهد این ظرفیت را دارد. هنری که به حضرت امام رضا^(ع) نگاه می‌کند، ویژگی خاصی دارد، ولی به‌طور کلی همان سینمای معناگرا است. مشهد برای سینمای معناگرا و شاعرانه می‌تواند در خط اول باشد. تجربه من این را می‌گوید.

● توصیه‌ای در این باره به سینماگران مشهدی و غیرمشهدی دارید؟

توصیه من بیشتر به مسئولان آستان قدس رضوی است. آستان امام رضا^(ع). آستان خورشید است. من به‌عنوان یک بچه مسلمان وقتی به مشهد و حرم امام رضا^(ع) می‌آیم، در نمادسازی انگار به آستان خورشید وارد شده‌ام. این نوعی تمثیل است. می‌گویند متن هایتان را بدهید ما بخوانیم. بعد اجازه بدهیم بروید داخل حرم فیلم بسازید؟ این‌ها اگر بیشتر با سینماگران همکاری کنند، سینمای مشهد و امام رضا^(ع) متعالی‌تر می‌شود.

● خود سینماگران که علاقه مند به ساخت آثار در این باره هستند، چه کار کنند؟

مطالعات دینی داشته باشند، الهیات بخوانند. اگر مطالعه سخت است، بروند حششان را معنی کنند، به‌قدری که در سینما بتوانند کار، مطالعه و تجربه کنند. من خودم تعبیر، تفسیر و تأویل مطالعه می‌کنم، ولی این‌ها ارتباطی به سینمای من ندارند، بلکه به فهم من ارتباط دارند. سینما عبارت است از فهم به‌اضافه احساس و عاطفه.



اجتماعی پا بیرون بگذارد. وی ادامه داد: آنچه امروز شاهد آن هستیم و به اوج رسیده است، تبلور فرهنگ مردسالارانه است. در این فرهنگ به زن نگاه‌ی ویژه می‌شود و متأسفانه در چهار دهه گذشته با آمیختگی ایدئولوژیکی با فرهنگ سنتی قدیمی، تشدید شده است. در این نگاه زن آسیب می‌بیند و شاید این آسیب‌ها از دوران کودکی شروع و درون خانواده متبلور شود. همچنین، عوامل بیرونی مانند نبود رفاه و حمایت اجتماعی، بیکاری و آمار زیاد طلاق و... باعث می‌شود آمار اعتیاد بین زنان افزایش پیدا کند. این استاد دانشگاه در پایان سخنان‌ش خاطرنشان کرد: در دهه‌های گذشته سیاست‌گذاری‌های زیادی اتفاق افتاده است. اما همچنان شاهد نرخ صعودی انواع ناهنجاری و انحرافات هستیم که این مسئله نشان می‌دهد سیاست‌ها همچنان در بستر یک پشتوانه تحقیقی و حساسیت‌های لازم را ندارد و مجری و عاملش متخصص نیست، تدوین می‌شود و به اعتبار گذشته کاربرد لازم را ندارد.

● زندگی زنان آسیب‌دیده را با حمایت در بخش دیگری از نشست نقد و بررسی،

خبر هنری

مشهد

پرتره شهید روی صحنه تئاتر مشهد



نمایش «علی‌رضا» به‌نویسندگی مهدی سیم‌ریز و کارگردانی محمد چهانپا از ۱۳ دی‌ماه تا پایان ماه در سالن استاد نوری حوزه هنری خراسان رضوی روی صحنه می‌رود. این نمایش که روایتی از زندگی شهید علیرضا عاصمی، فرمانده گردان تخریب در دوران دفاع مقدس است، تولید دفتر تئاتر حوزه هنری خراسان رضوی است که به همت گروه هنری جلوه هشتم آماده اجرا شده است. شهید عاصمی که بیش از هر چیز با نوآوری‌های خلاقانه اش در عملیات تخریب، تحقیقات و نمونه‌سازی و تولید انبوه برخی تجهیزات تخریب شناخته می‌شود، یکی از راد مردان پایدار ایران اسلامی بود که مهارت مسئله‌یابی و راهکارسازی برای حل آن را در حیطه تخصصی خود داشت و آن را در آموزش و نگارش کتاب‌های تجربه‌نگاری به ظهور درآورد. در «علی‌رضا» بازیگرانی مانند محمد تقی‌نژاد، جلال کریم‌زاده، امیراحسان امیرپور، ساراجاتپیان، علی‌ضمیری، نازیلا نوروزی، نیما پسندیده، امیر سرداریان، عادله دامغانی، پویا زمانی‌راد و معراج حقیقی به ایفای نقش پرداخته‌اند. نمایش علی‌رضا بر اساس هم‌زمانی شهادت این فرمانده نام‌آور با سردار حاج‌قاسم سلیمانی، برای سومین‌بار واداره سردار شهید تولید و اجرا شده است.

«رقص رنگ» در «حامی»



نمایشگاه انفرادی نقاشی از آثار فرشته صف‌زاده با عنوان «رقص رنگ» امروز ۱۴ دی‌ماه امسال افتتاح می‌شود. این نمایشگاه تا جمعه ۱۶ دی‌ماه ادامه‌دارد و علاقه‌مندان از ساعت ۱۶ تا ۱۹ می‌توانند برای تماشای آثار این هنرمند مشهدی به نگارخانه حامی مراجعه کنند.

چارسوق

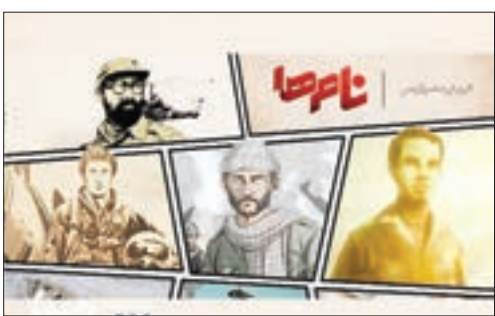
هنر

اگران مستندی در باره «حاج قاسم» در «هنر و تجربه»



اگران ویژه فیلم مستند «قرار روز شانزدهم» محصول مشترک مرکز مستند حقیقت و مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی به‌کارگردانی سیدمحمد احسان اصغرزاده موسوی و تهیه‌کنندگی مرتضی شعبانی ۱۲ دی‌ماه، هم‌زمان با سالروز شهادت شهید سردار قاسم سلیمانی در پردیس سینمایی چارسو برگزار شد. در این رویداد که به‌میزبانی گروه سینمایی «هنر و تجربه» برگزار شد، جمعی از مدیران مرکز مستند حقیقت، مدیران مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی، اصحاب رسانه، خانواده شهید، هم‌زمان شهید و علاقه‌مندان حضور داشتند. در پایان از سوی مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی و گروه سینمایی «هنر و تجربه» از مادر شهید محمدحسین محمدخانی قدردانی شد. شهید محمدخانی درحالی‌که فقط سی سال داشت. ۱۶ آبان ۱۳۹۴ در حلب سوریه به شهادت رسید و سردار قاسم سلیمانی درباره شهید محمدخانی اعلام کرد: «او واقعا عمار بود».

پخش «نام‌ها» ی رضا میرکریمی به شبکه ۲ رسید



مجموعه کمیک‌موشن «نام‌ها» به‌کارگردانی سیدرضا میرکریمی و تهیه‌کنندگی محمد پیرهادی محصول سازمان سینمایی سوره از این هفته ۱۵ دی‌ماه و طی چهار هفته، پنجشنبه شب‌ها ساعت ۲۱:۱۵ ر‌اه‌ی آنتن شبکه ۲ سیما خواهد شد. در بخش‌های مختلف این انیمیشن که برای اولین بار رونمایی و پخش می‌شود، بازیگران مطرحی مانند پرویز پرستویی، فرهاد اصلانی، امیر جعفری، ریما رامین‌فر، شبنم مقدمی، افشین هاشمی و دانش اقباشاوی به‌عنوان صداپیشه حضور دارند. مجموعه انیمیشن «نام‌ها» که با فرم کمیک‌موشن ساخته شده است، در چهار قسمت متفاوت به روایت زندگی چهار قهرمان دفاع مقدس، شهید عباس دوران از فرماندهان نیروی هوایی ایران، شهید مهدی باکری از فرماندهان سپاه پاسداران، شهید مصطفی چمران از فرماندهان ایران در نبرد با عراق و شهید حسن باقری جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران می‌پردازد. این مجموعه چهارقسمتی با نام‌های «مصطفی»، «عباس»، «حسن» و «مهدی» هرکدام در زمان حدود سی دقیقه، روایتی عاشقانه و واقعی از داستان زندگی این چهار سردار نامدار بزرگ ایران است.